

هاچین و اچین

● تصویرگر: ثنا حبیبی راد

بود و بود و بود

● شکوه قاسم نیا

بود و بود و بود، سه تا آب نبات بود.
اولی رو لیس زدن و تموم شد.
دومی افتاد توی آب، حروم شد.
سومی زود فرار کرد.
پشت سرش، مورچه ها رو قطار کرد.



اسمش چیه؟

● جعفر ابراهیمی

اسمش چیه؟
درخته!
کنار بند رخته
بر گای سبزی داره
توت شیرین می آره
طناب به اون می بندن
تاب می خورن می خندن



بند انگشتی

● اسدالله شعبانی

من یه مداد تراشم
پاک کن کیه؟ داداشم!
.....
دهن می گه به دندون
یه کم منو بخندون
.....
لحاف می گه به بالش
کی خوابه؟ خوش به حالش

